

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

جاودانگی دکتر صادق شرفکندی و رسوایی ادامه‌دار رژیم خمینی

ص ۵

عقاب‌های زاگرس دو مزدور رژیم را در بوکان هدف قرار دادند

ص ۳

مراسم سالگرد شهادت د.صادق شرفکندی و یارانش در پاریس برگزار گردید

ص ۲

www.kurdistanmedia.com

شماره ۶۸۵، چهارشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۵، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۶، ۵۰۰ تومان



ایلام، در باتلاق فاشیسم و دروغوبی

۷



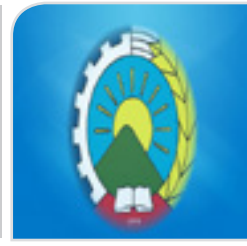
جنگ برای جنگ سی و هفتمین سال آغاز جنگ عراق - ایران

۶



گفتگو با محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

۴



اطلاعیه کمیته آماده‌سازی کنگره شانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران

۲

خمینیسیم سرچشمه‌ی افراط‌گرایی است

سفن

دسته‌ی تبر

کریم پرویزی

قیام ملتی تحت ستم برای رسیدن به آزادی و رهایی در مسیر مبارزاتی‌اش، با رژیم حاکم مواجه می‌شود و رژیم ستمکار نیز در این راه چنان مشکلاتی برایش ایجاد می‌کند تا هم از سویی هزینه‌ی مبارزاتش را بیشتر کند و هم نیرو و توانایی‌هایش را منحرف سازند.

رژیم ستمکار و تروریست‌پروری همچون رژیم ولایت فقیه برای مقابله با مبارزات ملت‌های تحت ستم - علی‌الخصوص ملت کرد- سیاست مشت آهنین را به کار می‌برد تا این مبارزات را دچار شوک و بهت کند و با تمام توان و قدرت خود، قیام و مبارزه‌ی ملت‌های تحت ستم را مورد هجوم قرار می‌دهد تا توان دوباره برخاستن را از آن بگیرند.

همانگونه که در ابتدای قیضه کردن قدرت، فتوای جهاد علیه ملت کرد را صادر کردند و خلخالی جنایتکار و چمران تروریست را فرستادند تا کردستان را به ویرانی بکشند، طی سال‌های اخیر نیز با تمام توان و نیرو به سرکوب قیام ملت کرد پرداخته‌اند.

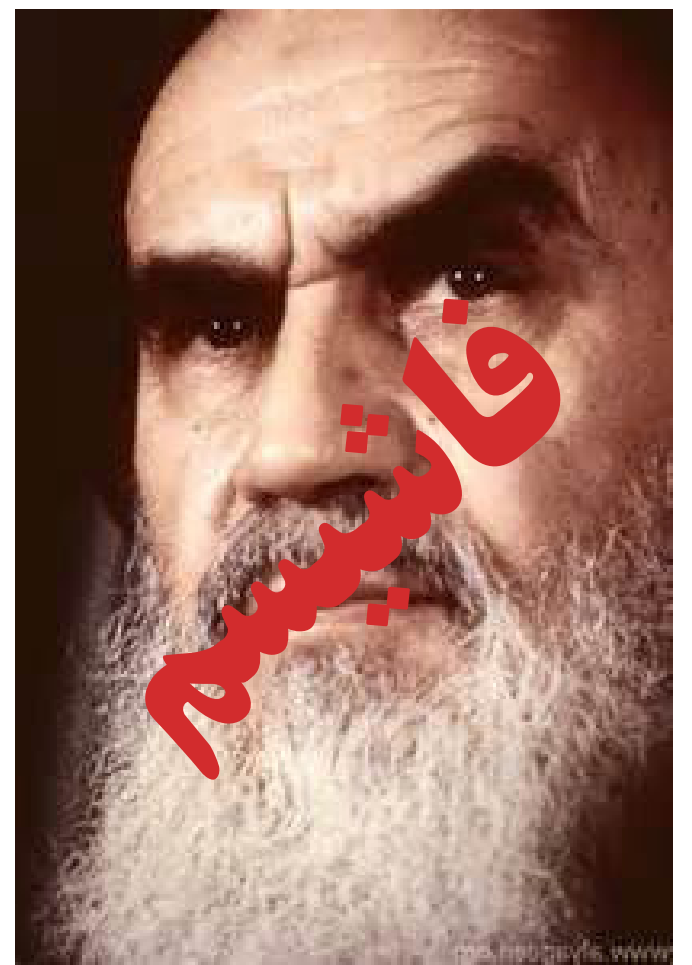
رژیم اسلامی ایران، با در پیش گرفتن سیاست سرکوبگرانه قصد افزایش هزینه‌ی قیام و مبارزه حق‌طلبانه‌ی مردم را دارد تا از این طریق هم مردم را دچار وحشت کند و هم جرات ملحق شدن به قیام و مبارزه را از انسان‌های تحت ستم بگیرد. یکی دیگر از ابعاد توطئه‌های جمهوری اسلامی علیه ملت کرد، ایجاد پایگاهی حکومتی در درون ملت کرد یا ایجاد نفاق در میان هواداران احزاب مخالف رژیم است تا بدین طریق مهره‌های دست‌نشانده‌ی حکومت در آینده به نیرویی بالقوه برای منحرف کردن مبارزات رهایی‌بخش کردستان بدل شوند و مبارزه‌ی برحق ملت کرد را از درون تهی کرده و مسائل حاشیه‌ای آن را بیشتر کنند.

حکومت با در پیش گرفتن

العدل، فرمانده عملیات القاعده و مسبب اقدامات تروریستی علیه آمریکا، عربستان و دیگر کشورها را به جامعه‌ی جهانی تحویل می‌داد. عادل الجبیر سپس اضافه می‌افزاید: "اگر حکومت ایران در زمینه مبارزه با تروریسم صادق است باید پشتیبانی مالی خود را از سازمان‌های تروریستی از جمله حزب الله لبنان متوقف کند که رهبرش اخیراً اعتراف کرد که ۱۰۰ درصد منابع مالی این سازمان را جمهوری اسلامی ایران تأمین می‌کند." الجبیر که مقاله‌ی خود را تحت عنوان "ایران نمی‌تواند سابقه حمایت خود از تروریسم را پاک کند" اضافه می‌کند: از زمان آغاز ناآرامی‌ها در سوریه بیش از ۵۰۰ هزار نفر در این کشور به دست نیروهای دولت بشار اسد کشته شده‌اند و ایران با فرستادن نیرو و پشتیبانی همه‌جانبه از حکومت سوریه، شریک کشتار مردم این کشور می‌باشد.

می‌توان و باید علیه تروریسم جهانی جنگید و صلح و آرامش را به منطقه بازگرداند. او می‌نویسد که دولت ایران از آغاز تاکنون حداقل به دوازده سفارتخانه خارجی در تهران حمله‌ور شده و سیاه پاسداران در پوشش مراکز فرهنگی نیروهای خود را در بسیاری از کشورها از جمله در سودان، نیجریه، سوریه، لبنان، یمن و جزایر کومور مستقر ساخته است. وزیر امور خارجه‌ی عربستان در ادامه افزوده است که جمهوری اسلامی ایران از ابزار تروریسم برای پیشبرد سیاست‌های خصمانه‌اش استفاده کرده است. او گفته است که اگر حکومت ایران می‌خواهد صداقت خود را در زمینه‌ی نبرد جهانی علیه تروریسم اثبات کند، باید رهبران القاعده را که در جمهوری اسلامی ایران پناه گرفته‌اند، نظیر سعد بن لادن، فرزند اسامه بن لادن، و یا سیف

وزیر امور خارجه‌ی عربستان، رژیم ایران را منشاء ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه و جهان توصیف کرده و از خمینیسیم به عنوان ایدئولوژی فرقه‌گرایی و افراطی‌گری یاد کرد. برپایه‌ی گزارشات انتشار یافته، روزنامه‌ی وال استریت جورنال یادداشتی به قلم عادل الجبیر منتشر کرده که در آن رئیس دستگاه دیپلماسی عربستان نوشت: "حکومت اسلامی ایران نخستین دولت حامی تروریسم در جهان است و رهبران این کشور از آغاز تأسیس جمهوری اسلامی ایران مستقیماً در بسیاری از حملات و اقدام‌های تروریستی دست داشته‌اند." وزیر امور خارجه‌ی عربستان در مقاله‌اش همچنین افزود: ایدئولوژی "خمینیسیتی" که ایدئولوژی رسمی جمهوری اسلامی ایران و نفرت از غرب است، بر فرقه‌گرایی و افراطی‌گری استوار است و تنها با از میان بردن این ایدئولوژی



نوستالژی حزب دمکرات، پزشکان جهان را گرد هم آورد



شهر و روستا با مبارزات کردستان و تجربیات همکاری با حزب دمکرات در زمینه‌های درمانی و نیز آموزش و تربیت کادر درمانی اختصاص یافته بود.

مورد وضعیت در کردستان و به ویژه کردستان ایران و به ویژه حضور پیشمرگان حزب در کردستان ایران به منظور دفاع از مردم در مقابل سرکوبگری‌های رژیم آخوندی و تلفیق مبارزات

قرار گرفت که به کردستان رفته و به همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران پرداخته بودند. لذا از آن تاریخ، هر سال در دو روز تعطیلی آخر یکی از هفته‌های ماه سپتامبر یا اکتبر گرد هم می‌آیند و تحت عنوان "آخر هفته‌ی ویژه‌ی کردستان" یاد سال‌های همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران را گرامی می‌دارند. امسال، از آنجا که روز ۱۷ سپتامبر مصادف با روز شهادت زنده‌یاد دکتر صادق شرفکندی و یارانش به دست تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران بود، اولین جلسه‌ی آن به ادای احترام نسبت به خاطره و مبارزات این شهیدان راه آزادی و دمکراسی اختصاص یافت.

در جلسه‌ی دوم روز ۱۷ سپتامبر، بنا به درخواست شرکت‌کنندگان، خسرو عبداللهی، نماینده‌ی حزب دمکرات در فرانسه که در این گردهمایی شرکت کرده بود، در

در گردهمایی سالانه‌ی پزشکان و پرستاران وابسته به سازمان پزشکان جهان که در گذشته بیش از یک دهه در کردستان به همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران در فرانسه نیز شرکت کرد. به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، امسال نیز شماری از پزشکان و پرستاران وابسته به سازمان پزشکان جهان که در سال‌های گذشته بیش از یک دهه در کردستان به همکاری با حزب دمکرات پرداختند، در روزهای ۱۷ و ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶ در روستای اتوال Etoile واقع در استان ماریس گرد هم آمدند و یاد آن همکاری‌ها را گرامی داشتند.

شایان ذکر است که ۱۲ سال پیش به ابتکار دکتر برنارد گرانژون، رئیس وقت سازمان پزشکان جهان، چنین گردهمایی‌ای پیشنهاد گردید و مورد موافقت اکثریت پزشکان و پرستارانی

ادامه در صفحه‌ی ۳

اطلاعیه کمیته آماده‌سازی کنگره شانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران



کنگره یاری‌دهنده‌ی ما خواهید بود و هم با اجماع فکری گسترده‌ای می‌توانیم در جهت برگزاری کنگره‌ای تاریخی گام برداریم تا مراحل دشوار مبارزه را پشت سر نهاده و به تحقق آرمان‌های ملتمان نزدیکتر شویم. برای ارسال مطالب خود می‌توانید

نوشته‌هایتان را به سایت "کردستان میدیا" فرستاده یا به آدرس ایمیل کمیته‌ی آماده‌سازی کنگره شانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران ارسال نمایید:
Kongre.pdki@gmail.com
به امید پیروزی مبارزات بر حق

ملی-دمکراتیک کردستان
کمیته‌ی آماده‌سازی کنگره‌ی شانزدهم حزب دمکرات کردستان ایران
۲۶ شهریور ۱۳۹۵
۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶

هم‌میهنان عزیز! دلسوزان مبارزات برحق ملی-دمکراتیک کردستان! حزب دمکرات کردستان ایران بر آنست که طی چند ماه آینده و بر مبنای اصول و پرنسپ‌های دمکراتیک نهادینه شده در شیوه‌ی مبارزاتی‌اش، کنگره شانزدهم خود را برگزار کند. همان گونه که همگان استحضار دارند، هم‌اینک خاورمیانه در شرایط بسیار حساسی به سر می‌برد و آستان وقایع و تغییرات گسترده‌ای است و کردستان ایران نیز در شرایط فعلی باید موقعیت و جایگاه خود را مشخص و تثبیت کند و همان گونه که آحاد جامعه اطلاع دارند، حزب دمکرات کردستان ایران طی چند سال اخیر سیاست استمرار حضور نیروهای پیشمرگه‌ی خود را در عمق خاک کردستان در پیش گرفته و بر تداوم این شیوه از مبارزه در جهت پیوند دادن قیام "شهر و کوهستان" تأکید می‌نماید. در چنین شرایطی، بر اساس معیارهای دمکراتیک و با در نظر گرفتن ملزومات قیام و مبارزه، حزب دمکرات کنگره‌ی شانزدهم خود را برگزار خواهد کرد و در این راستا کمیته‌ی آماده‌سازی کنگره‌ی شانزدهم حزب دمکرات از همه‌ی دلسوزان مبارزات برحق ملت کرد و تمام دوستان و دلسوزان حزب دمکرات کردستان ایران و تمامی پیشمرگه‌ها و اعضا و حامیان حزب درخواست دارد، در ارتباط با سیاست‌ها و برنامه‌های حزب دمکرات کردستان ایران و امور مرتبط با کنگره‌ی حزب، نظرات و پیشنهادات و انتقادات خود را به کمیته‌ی آماده‌سازی کنگره ارسال نمایند. در این رابطه لازم است به چند نکته اشاره شود:

- تمام نظرات و پیشنهادات به کمیته‌ی آماده‌سازی ارجاع داده

مراسم سالگرد شهادت د.صادق شرفکندی و یارانش در پاریس برگزار گردید

به مناسبت سالروز شهادت دکتر صادق شرفکندی و یارانش و واقعه‌ی تروریستی میکونوس، مراسمی در گورستان پرلاشز پاریس برگزار شد. به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، روز شنبه بیست و هفتم شهریورماه، مراسمی به مناسبت شهادت دکتر صادق شرفکندی و یارانش، با حضور مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، نماینده‌ی حکومت اقلیم کردستان در فرانسه، شخصیت‌های سیاسی کردستانی و ایرانی و اعضای حزب دمکرات در خارج از کشور بر سر مزار شهیدان دکتر صادق شرفکندی و یارانش و واقعه‌ی تروریستی میکونوس، مراسمی در گورستان پرلاشز پاریس برگزار شد. به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، روز شنبه بیست و هفتم شهریورماه، مراسمی به مناسبت شهادت دکتر صادق شرفکندی و یارانش، با حضور مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، نماینده‌ی حکومت اقلیم کردستان در فرانسه، شخصیت‌های سیاسی کردستانی و ایرانی و اعضای حزب دمکرات در خارج از کشور بر سر مزار شهیدان دکتر صادق شرفکندی، فتاح عبدلی و همایون اردلان برگزار شد. مراسم با اجرای سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به نشانه‌ی احترام به تمامی شهیدان راه آزادی کردستان آغاز شد. در بخش نخست این مراسم، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران ضمن گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهیدان میکونوس، سخنانی پیرامون مبارزات نوین حزب دمکرات کردستان ایران و از سرگیری فعالیت پیشمرگه‌های حزب دمکرات در کردستان ایران برای شرکت‌کنندگان در مراسم ایراد نمود.

پیام دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت فرارسیدن عید قربان

ایران، با وجود رژیم جمهوری اسلامی امکانپذیر نیست، از همین رو، امیدواریم که این جشن به اتحاد توده‌های مردم در مسیر مبارزاتی نوین جهت فرو ریختن بنیان‌های این رژیم و ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت تأسیس یک حکومت دمکراتیک فدرال، به دور از هر گونه ستم و تبعیض کمک نماید. ایامی سرشار از جشن و شادمانی برای همگان آرزویمند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل - مصطفی هجری
۲۱ شهریورماه ۱۳۹۵
خورشیدی
۱۱ سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی

مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، با انتشار پیامی، فرا رسیدن عید قربان را به تمامی مسلمانان جهان، به ویژه مسلمانان کردستان ایران تبریک و شادباش گفت. متن این پیام به شرح زیر است: فرا رسیدن عید سعید قربان را به خانواده‌های شهیدان راه رهایی کردستان، تمامی مسلمانان کرد در کردستان ایران تبریک و شادباش می‌گویم. بدون تردید، همان گونه که همگان استحضار دارند، جشن و سرور حقیقی ملت کرد و سایر ملیت‌های تحت ستم



مناطق مرزی اقلیم کردستان برای سومین بار توسط رژیم ایران تویباران شد



یگان‌های توپخانه‌ی رژیم ایران برای سومین بار طی سال جاری، مناطق مرزی اقلیم کردستان را تویباران نمودند. به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، از ساعات آغازین روز شنبه ۲۷ شهریورماه، توپخانه‌های رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر تویباران مناطق مرزی اقلیم کردستان عراق را آغاز کردند. ارتفاعات "بریزین، سه‌قهر و قوچی آجر" مناطقی هستند که توپخانه‌های رژیم ایران آن را هدف قرار دادند. طی سال جاری، این برای سومین بار است که رژیم سرکوبگر اسلامی ایران مناطق مرزی اقلیم کردستان را آماج حملات توپخانه‌ای قرار می‌دهد که در نتیجه خسارت چشمگیری به محیط زیست و اهالی این مناطق وارد شده است.

روز پنج‌شنبه بیست و یکم مردادماه، توپخانه‌های رژیم ایران مجدداً ارتفاعات "بریزین و سه‌قهر" میان اقلیم کردستان عراق و کردستان ایران را تویباران نمودند. گفته می‌شود، رژیم ایران در تویباران مناطق مرزی اقلیم کردستان توپ‌های فسفری به کار برده است. همچنین در مورخه‌ی ششم تیرماه، توپخانه‌های رژیم ایران برای اولین بار طی سال جاری، مناطق مرزی اقلیم کردستان را تویباران کردند.

حزب دمکرات، اتهامات وارده به خود از سوی رژیم ایران را رد کرد

حزب دمکرات کردستان ایران اتهامات وارده از سوی رژیم ایران را مبنی بر این که پیشمرگان حزب به سوی کولبران تیراندازی کرده باشند، به شدت رد می‌کند. پس از این که روز شنبه ششم شهریورماه ۱۳۹۵ خورشیدی، نیروهای ضد مردمی رژیم اشغالگر اسلامی ایران در ارتفاعات «دالانیر» کاروان کولبران کرد را هدف تیراندازی مستقیم قرار دادند، در نهایت دو تن از کولبران جان خود را از دست دادند. طی این تیراندازی مستقیم، یک کولبر کرد به نام لزگین شعبانی اهل روستای "کوله‌بی" مرگور جان خود را از دست داد. پس از کشته شدن این کولبر کرد از سوی مأموران رژیم

تروریستی ایران، مسئولان رژیم در این منطقه اعلام کرده‌اند که این کولبر توسط افراد ناشناس کشته شده است. در همین ارتباط، پس از گذشت چند روز از این حادثه، مسئولان جنایتکار رژیم به خانواده‌ی لزگین شعبانی مراجعه کرده و به آنان اعلام کرده‌اند که فرزند شما از سوی پیشمرگه‌های حزب دمکرات کشته شده است. این مقامات همچنین وعده داده‌اند که خانواده‌ی لزگین شعبانی را در زمره‌ی خانواده‌های به اصطلاح شهیدان خود گنجانده و از همه‌ی امتیازات اینگونه خانواده‌ها برخوردار خواهند نمود. حزب دمکرات کردستان ایران ضمن رد این اتهامات وارده

دبیران پاره از حضور پیشمرگه‌های حزب دمکرات در کردستان ایران حمایت کردند

در نتیجه درگیری‌های شدیدی طی مدت اخیر میان نیروهای پیشمرگه و نیروهای تروریستی سپاه پاسداران روی داده است. طی این درگیری‌ها، ده‌ها تن از نیروهای سپاه پاسداران به هلاکت رسیدند، اما رژیم اسلامی ایران از اعلام آمار رسمی به هلاکت رسیدگان این درگیری‌ها خودداری می‌کند. حزب دمکرات کردستان ایران اعلام کرده است: سپاه پاسداران در این درگیری‌ها متحمل شکست‌های سنگین شده است، اما رژیم جهت حفظ روحیهی نیروهای خود از اعلام آمار رسمی خودداری می‌نماید.

شهرستان خواسته‌اند که در همکاری با پیشمرگه‌های حزب دمکرات از هیچ کوششی دریغ نمایند. با اعلام خیزشی نو از سوی حزب دمکرات کردستان ایران در کردستان ایران، پیشمرگه‌های حزب دمکرات به صورت گسترده در کردستان حضور یافتند. حزب دمکرات کردستان ایران هدف از این حضور را ارتباط با مردم کردستان و سازماندهی و فعالیت سیاسی و مدنی عنوان نموده است.

با حضور پیشمرگه‌های حزب دمکرات در کردستان ایران، نیروهای تروریستی سپاه پاسداران نیروهای پیشمرگه را مورد یورش قرار دادند و

جمعی از دبیران پاره طی پیامی از حضور پیشمرگه‌های حزب دمکرات در داخل خاک کردستان ایران استقبال نمودند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، جمعی از دبیران شهرستان پاره با انتشار پیامی ضمن خوشامدگویی به پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران، حمایت همه‌جانبه‌ی خود را از نیروهای پیشمرگه اعلام کردند.

این فرهنگیان پاره می‌گویند: پیشمرگه‌های حزب دمکرات با حضور مقتدرانه‌ی خود در این دیار بار دیگر بر پوشالی بودن رژیم و ناتوانی مزدورانش در مقابل اراده‌ی محکم و استوار پیشمرگه‌ها مهر تأیید زدند. دبیران پاره از مردم این

عقاب‌های زاگرس دو مزدور رژیم را در بوکان هدف قرار دادند

اطلاعات بیشتر در رابطه با زنده ماندن یا نماندن این دو مزدور را طی اطلاعیه‌ای در آینده اعلام خواهیم نمود. طی چند ماه اخیر، عقاب‌های زاگرس در سراسر کردستان ایران عملیات‌های علیه مزدوران رژیم انجام داده و تاکنون شمار زیادی از نیروهای رژیم کشته و زخمی شده‌اند.

این مزدور را عثمان خبات اهل روستای "ناچیت" و عبدالله کربلایی اهل روستای "سرچنار" عنوان کردند. عقاب‌های زاگرس اعلام کردند: به دلیل نامناسب بودن مکان و حفظ امنیت جانی عقاب‌ها، پس از این دو عملیات، عقاب‌ها به سلامتی مکان عملیات را ترک نموده‌اند و به همین دلیل

دو مزدور رژیم در بوکان مورد حمله‌ی عقاب‌های زاگرس قرار گرفتند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، شامگاه سه‌شنبه شانزدهم شهریورماه، عقاب‌های زاگرس دو مزدور رژیم در بوکان را در دو مکان جداگانه مورد حمله قرار دادند. عقاب‌های زاگرس هویت

کمیسیون اطلاع‌رسانی و تبلیغات حزب دمکرات: نادیه مراد برای ملت کرد مایه‌ی افتخار است

است که جایزه‌ی صلح نوبل نیز به وی تعلق بگیرد و امیدواریم که در فعالیت‌های خود جدیت بیشتری به خرج داده و در پیگیری حقوق زنان کردی ایزدی و همه‌ی زنان کرد تلاش نماید.

امیدواریم نادیه مراد همچنان که چهره‌ی داعش را در جهان سیاه کرد، با سعی و تلاش خود پشتیبان همگان و به خصوص زنان کرد در کردستان ایران باشد و بتواند چهره‌ی شوم و واقعی داعش ولایت فقیه را برای جهان آشکارتر کند. در پایان دوباره به همه‌ی زنان کرد و به خصوص زنان کرد ایزدی و دلاور زن کرد ایزدی، نادیه مراد تبریک گفته و این مقام و جایگاه وی را ارج می‌نهیم. آزادی و خوشبختی جامعه، در برابری واقعی است. حزب دمکرات کردستان ایران کمیسیون اطلاع‌رسانی و تبلیغات ۲۸ شهریورماه ۱۳۹۵ خورشیدی ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی

نادیه مراد دختر کرد ایزدی یکی از آن دختران بوده که از جنگال آن درنده‌خویان نجات یافته و پس از رهایی، به صدای زنان و دختران ستمدیده بدل گشت و اجازه نداد وجدان جهانی در قبال پایمال شدن حقوق این زنان و دختران سکوت در پیش گیرد. در نتیجه‌ی سعی و تلاش‌های نادیه مراد و به منظور تجلیل از وی و درک مصائب و رنج‌های زنان کرد و به خصوص زنان کرد ایزدی، سازمان ملل متحد وی را به عنوان سفیر حسن نیت انتخاب نموده و همچنین وی نامزد جایزه‌ی صلح نوبل گردیده است. کمیسیون اطلاع‌رسانی و تبلیغات حزب دمکرات کردستان ایران ضمن تبریک و شادباش به نادیه مراد برای اینکه به عنوان سفیر بزرگترین سازمان جهانی و در واقع سفیر بخش عظیمی از ملت‌های جهان تعیین گردیده، برای وی موفقیت هر چه بیشتر در شئونات زندگی را آرزو نموده و امیدوار

کمیسیون اطلاع‌رسانی و تبلیغات حزب دمکرات کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای، برگزیدن یک دختر کرد ایزدی به عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل متحد را مایه‌ی افتخار دانسته و این موفقیت را تبریک گفت. در این بیانیه آمده است که:

سازمان ملل متحد روز جمعه بیست‌وششم شهریورماه ۱۳۹۵ خورشیدی برابر با شانزدهم سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی، نادیه مراد، دختر کرد ایزدی نجات یافته از دست داعشیان دمنش را به عنوان سفیر حسن نیت این سازمان انتخاب کرد. نادیه مراد یکی از هزاران دختر و زن کرد ایزدی است که پس از یورش وحشیانه‌ی داعش به شنگال به اسارت این سازمان تروریستی در آمد و به عنوان برده و کنیز و غنیمت جنگی مورد سوء استفاده قرار گرفت و آنچه رفتار غیرانسانی می‌نامند، در قبال وی انجام دادند.

میلیتاریزه نمودن شهرهای کردستان توسط رژیم ادامه دارد



در همین رابطه نیز، در شهر سقر، رژیم اقدام به اعزام نیروهای نظامی خود با سلاح‌های سنگین و سبک به بانه کرده است. پس از اعلام مبارزات نوین حزب دمکرات در نوروز سال جاری توسط مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، نیروهای سپاه پاسداران در کردستان به حالت آماده باش درآمدند.

خبرنگار کردستان میدیا گزارش داد: در نزدیکی روستای "علی‌آباد" در جاده نقره - اشنویه نیز، نیروهای رژیم اقدام به ایجاد نقطه‌ی بازرسی نموده‌اند. خبرنگار کردستان میدیا اعلام کرد: در شهرهای پیرانشهر و نقره، هلیکوپترهای رژیم به منظور شناسایی منطقه بطور دائم درحال پرواز بوده‌اند.

در راستای میلیتاریزه نمودن شهرهای کردستان، رژیم اقدام به استقرار نیروهای نظامی خود در شهرستان اشنویه از توابع استان ارومیه کرده است. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، روز چهارشنبه هفدهم شهریورماه، رژیم ایران نیروهای نظامی خود را در اطراف شهرستان اشنویه مستقر نموده است.

مشاور سیاست خارجی ترامپ از مبارزات ملت کرد در کردستان ایران حمایت نمود

قدرتی ندارد و قدرت واقعی در اختیار سپاه پاسداران و خامنه‌ای می‌باشد. پیشتر نیز، پروفیسور ولید فارس، مشاور سیاست خارجی دونالد ترامپ طی گفتگویی با "دیلی کالر" اولویت‌های سیاست خارجی ترامپ را به ترتیب چنین اعلام کرده بود، مقابله با برنامه‌های کره شمالی، مقابله با تهدیدهای ایران و نیز تهدیدات گروه‌های تندرو اسلامی.

مصاحبه‌ای با العربیه گفته است که کردها در ایران خواستار خودمختاری در چهارچوب ایرانی دمکرات و فدرال مشابه کردهای عراق هستند. دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران می‌گوید: ما خواستار زندگی در کشوری فدرال در جهان هستیم، اما این رژیم سرکوبگر است و در این زمینه با همکاری ملیت‌ها و اپوزیسیون ایران می‌توانیم این رژیم را تغییر دهیم. وی با نقل قول از آقای هجری تأکید کرده است، روحانی

پروفیسور ولید فارس، مشاور سیاست خارجی دونالد ترامپ، نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا از مبارزات ملت کرد و حزب دمکرات حمایت می‌کند. پروفیسور ولید فارس، مشاور سیاست خارجی دونالد ترامپ با انتشار استاتوسی در شبکه‌های اجتماعی، به بازپخش سخنان آقای مصطفی هجری پرداخت. وی نوشته است: مصطفی هجری، رهبر کردهای ایران طی

دو شهروند کرد قربانی انفجار مین شدند

وی بیشتر نیز در مردادماه سال ۱۳۷۸ بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب شهر مهاباد به سه سال حبس تعزیری و پنج سال حبس تعلیقی محکوم شده بود، او پس از تحمل دو سال حبس تعزیری به صورت مشروط از زندان آزاد شد ولی علیرغم قبولی در امتحانات ورودی، از ادامه‌ی تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد محروم شد. همچنین گزارش رسیده که پویا حسین‌پناهی فعال مدنی اهل دهگلان به زندان اوین منتقل گردیده است. بنابه گزارش کمیبن دفاع از زندانبان سیاسی و مدنی، وی ۸ شهریورماه از سوی نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به نقطه‌ی نامعلومی منتقل شده بود. پویا حسین‌پناهی توسط دادگاه رژیم در سنندج به یک سال زندان محکوم شده بود که تاکنون مشخص نیست علت بازداشت این فعال مدنی، اجرای حکم یک سال حبس بوده و یا دلیل دیگری داشته است.

روزانه به بهانه‌ی جلوگیری از "قاچاق" در مناطق مرزی، اقدام به کاشت مین می‌نماید که در اکثر موارد کولبران و شهروندان غیرنظامی قربانی انفجار مین می‌شوند. یک فعال سیاسی از مهاباد به میاندوآب تبعید شد دستگاه قضایی رژیم اسلامی بدون اطلاع قبلی یکی از فعالین دانشجویی کردستان را به زندان میاندوآب تبعید کرده است. گزارشات انتشار یافته حاکی از تبعید خضر (شه‌مال) رسول مروت از زندان شهر مهاباد به زندان مرکزی میاندوآب می‌باشد. این فعال سرشناس کرد با دستبند و پابند به مقامات زندان شهر میاندوآب تحویل داده شده است. دربار‌ه‌ی تبعید دوباره‌ی شه‌مال رسول مروت، شبکه‌ی حقوق بشر کردستان اعلام کرد: او بدون ارابه‌ی دلیل خاص به زندان میاندوآب تبعید شده و از سوی مأموران بخش پذیرش، مورد بی‌احترامی و توهین قرار گرفت. اسفندماه سال ۱۳۹۲ نیز بنا به دلایل نامعلومی به زندان ارومیه تبعید شده بود.

دو شهروند دیگر کرد دچار حادثه انفجار مین‌های کاشته‌شده زمان جنگ رژیم ایران و عراق شدند. طبق گزارش خبرگزاری‌های محلی، روز دوشنبه شانزدهم ۱۳۹۵ خورشیدی، در روستای چکو از توابع شهرستان سردشت یک کودک ۸ ساله به نام "محمد الیاسی" در رودخانه زاب به علت انفجار مین جان خود را از دست داد. همچنین در بخش "وزینه" شهر سردشت یک کودک ۱۰ ساله در پی انفجار مین به شدت مجروح شد. "کانون مشارکت در پاکسازی مین" اعلام کرده بود حدود ۱۳ میلیون از انواع مین و مواد انفجاری در زمین‌های ۵ استان ارومیه، سنندج، ایلام، کرمانشان و خوزستان وجود دارد. رژیم اسلامی ایران تاکنون پیمان "اوتاوا" را که در ارتباط با ممنوعیت به‌کارگیری، تولید و نگهداری مین‌های ضد نفر است، امضا نکرده و نسبت به پاکسازی ۲۰ میلیون مین ضدنفر در کشور، اقدامی انجام نداده است. همچنین رژیم اسلامی ایران

ادامه‌ی سخن

چنین سیاست ناپاکی که توانسته عوامل خود را نیز در این بستر پرورش دهد، هم بخشی از نیروهای جامعه را از قیام و مبارزه دور می‌سازد و هم مهره‌های دست نشانده‌شان به عاملی در جهت ضربه زدن به قیام و مبارزه بدل می‌شوند. این امر از سویی موجب هدر رفتن انرژی و توان قیام در امور حاشیه‌ای می‌شود و از سویی دیگر، توان و تمرکز بخشی از نیروهای مبارز را به مسائل انحرافی و ساخته‌ی دست دشمن مشغول می‌سازند. افراد سردرگمی که به عامل رژیم تبدیل می‌شوند، شاید در مقطعی از منفعتی محدود بهره‌مند شوند اما نقش دسته تیر را برای دشمن بازی می‌کنند. دسته تیر وظیفه‌اش خدمت به تیر ریشدار است و توان ملت را تا حدی به خود مشغول می‌کند، اما هرگاه دسته تیر بشکند و یا نیازی به آن نباشد، آن را در آتش‌دان انداخته و نابود می‌کنند، زیرا کسانی که به راحتی به ملت خود پشت می‌کنند به همان سادگی هم می‌توانند خیانتشان را این بار در حق اربابانشان تکرار کنند از این روست که سرنوشت محتوم دسته تیر، سوختن و نابود شدن است.

محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات:

حزب ما بر احترام متقابل، منافع ملت کرد و اصل استقلال در تصمیم‌گیری سیاسی تأکید می‌نماید



و برای حفظ خود و حکومتش و ارتکاب جرائم و جنایات بیشتر تلاش می‌کند تا با شرق و غرب تماس و ارتباط برقرار نماید و عملاً نیز ثابت شده است که رژیم جهت بقای خویش حتی با آنچه که خود "شیطان بزرگ" می‌خواند نیز پای میز مذاکره می‌نشیند، لیکن رژیم از این روابط برای تشدید سرکوب و خفقان علیه آزادیخواهان و مبارزان راه آزادی در ایران بهره می‌گیرد. پس اگر ما کردها یا سایر ملیت‌های ایران یا هر نیروی سیاسی دیگری در ایران برای حفظ مبانی ارزش‌های انسانی و در مسیر مبارزه برای آزادی و دمکراسی، تأمین برابری و دستیابی ملت کرد به حقوق حقه‌ی خویش بتوانیم پشتیبانی یک طرف یا جریان سیاسی، ان‌جی‌او، سازمان حقوق بشری یا کشوری را جلب نماییم، چرا باید جرم محسوب شود؟

کردستان: آیا شما با طرف‌های مورد ادعای جمهوری اسلامی رابطه دارید؟

محمد نظیف قادری: لازم نیست وارد این بحث‌ها شویم. من از طبیعت روابط می‌گویم.

کردستان: آیا به سایر احزاب این حق را می‌دهید برای روابط یک حزب سیاسی دیگر، حد و مرز قائل شوند و یا آیا حزب دمکرات نیز متقابلاً این حق را دارد که برای دیگران در روابطشان حد و مرز قائل شود؟

محمد نظیف قادری: جوهره و ماهیت سیاست‌ورزی و روابط ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران این است که در امور هیچ طرف یا حزب سیاسی دیگری مداخله نمی‌کنیم و به هیچ فرد و گروهی نیز اجازه نمی‌دهیم که برای ما راه و چاه را تعیین کند یا انتظار داشته باشد که ما سیاست خود را بر اساس خط مشی آنان استوار کنیم. روابط ما مبتنی بر تشخیص سیاسی و ارزیابی خودمان است که در کنگره تعیین شده و رهبری حزب نیز آن را به مورد اجرا می‌گذارد. در این رابطه نیز هر ارتباط و هر طرفی که ما را یاری کند، به طور طبیعی آن تعامل خواهیم نمود و این تعامل نیز بر مبنای احترام متقابل خواهد بود.

می‌نمایند، زیرا مبارزات ما، مبارزاتی جهت عقب نشاندن جمهوری اسلامی و سلب امکان پیاده نمودن سیاست‌های ضدبشری این رژیم در کردستان است. برای رهایی ملت کرد و دستیابی این ملت به حقوق خویش، مبارزات کنونی ما عاملی مناسب جهت فعالتر نمودن فرایند دمکراتیزاسیون در ایران و همچنین فراهم آوردن امکان و فرصت برای فعالان سیاسی و مدنی در کردستان و سراسر ایران و ایجاد پیوند میان این مبارزات و مبارزات حق‌طلبانه‌ی مردم ایران می‌باشد.

کردستان: مواضع احزاب سراسری در این رابطه و اختلاف آنان با حزب دمکرات و ملت کرد چیست؟ به عنوان مثال، رفتن یکی از اعضای حزب به سفر حج به عنوان یک روزنامه‌نگار که به عنوان یک روزنامه‌نگار دعوت شده بود، اکنون ورد زبان همگان شده و مدام علیه حزب دمکرات تبلیغ می‌کنند؟

محمد نظیف قادری: ما با احزاب ایرانی معتقد به دمکراسی و حل مسأله‌ی کرد و تحقق حقوق این ملت که مشکلی با حزب دمکرات و ملت کرد ندارند، رابطه داریم و به این روابط و همکاری‌ها ادامه می‌دهیم. این که در بسیاری از موارد، مسائل حاشیه‌ای را تبدیل به مسأله‌ی روز خویش می‌نمایند و جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی به راه می‌اندازند، از دیدگاه ما، مسأله‌ای نیست که با اهمیت بدان پرداخته شود. اینکه فردی به منظور زیارت، عازم عربستان سعودی شود و به عنوان یک فرد در زندگی فردی خویش چگونه رفتار می‌کند، بخشی از حقوق انسانی این فرد است، لیکن آنچه که به حزب دمکرات کردستان ایران مربوط می‌شود چه در روابط و چه در تلاش برای برقراری رابطه با هر جریان و حکومت خاصی، از طریق کانال رسمی خود، سخنگو و مرکز تصمیم‌گیری سیاسی‌اش خواهد بود. سیاست ما روشن است و ارتباط با هیچ طرفی جرم نیست، مهم این است که این ارتباط بر چه مبنایی شکل می‌گیرد. برای ما اصولی که به آنها اشاره نمودم، اصول اساسی و زیربنایی در روابطمان هستند. رژیم اسلامی ایران سال‌هاست که علیه آمریکا شعار می‌دهد، لیکن آمریکا روابطی با یکدیگر دارند. این شعار "نه شرقی، نه غربی" که جمهوری اسلامی سر داده و تبلیغات خود جهت صدور انقلاب را بر مبنای آن به پیش می‌برد، در عمل ثابت شده است که کاملاً بی‌اساس است

جنبه‌ی دوم این است که در سطح بین‌المللی جمهوری اسلامی وانمود می‌کرد که در کردستان و ایران اپوزیسیونی وجود ندارد، لیکن فعالیت‌های حزب دمکرات کردستان و محافل بین‌المللی را به این امر جلب نمود که جنبش حق‌طلبانه و آزادیخواهانه‌ی ملت کرد و همچنین حزب دمکرات، از چنان توانایی، کارایی و پتانسیلی برخوردار است که می‌توان در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای روی آن حساب نمود تا به عنوان یک عامل تأثیرگذار جهت حمایت از پیروسی دمکراسی در ایران و رشد و گسترش جنبش کرد، نقش تاریخی ایفا نماید.

مهمتر از تمامی اینها آن است که مردم کردستان با حضور حزب دمکرات و فعالیت کادرها و پیشمرگه‌ها و اعضای آن در سطوح مختلف در داخل و خارج از کشور، چنان شور و حرارتی به مبارزات کردستان بخشیدند که حتی خود جمهوری اسلامی را نیز سراسیمه نمود. همین اظهارات مقامات رژیم ایران نشان داد که تا چه اندازه در مقابل این حضور فعالانه و حمایت مردم از کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات، درمانده شده است. مهمتر از همه، آن پایگاه مردمی است که حزب دمکرات در جامعه‌ی کردستان و در میان آزادیخواهان ایران از آن برخوردار است، می‌توانم بگویم که اینها مجموعه نکات مثبتی است که در این حرکت ما دیده شده و می‌شود.

کردستان: آیا برای آغاز این مرحله‌ی نوین، با احزاب کردستانی اپوزیسیونی مشورت و گفتگویی داشته‌اید تا در مقابل جمهوری اسلامی همکاری و هماهنگی بیشتری داشته باشید؟

محمد نظیف قادری: تاکنون بارها این سخن به میان آمده است که آیا با نیروهای سراسری ایران و کردستان نشست و دیالوگی داشته‌ایم یا نه؟ با اطمینان عرض می‌کنم که ما مدام در حال گفتگو و دیالوگ با نیروهای سیاسی ایران و کردستان هستیم. تمامی تلاش ما این است که بتوانیم به اتفاق یکدیگر و با یک گفتمان واحد این حرکت را علیه جمهوری اسلامی فعالتر نماییم. به همین دلیل، علیرغم اینکه ممکن است از لحاظ عقیده و نوع برخورد با مسائل، هر یک از طرف‌ها، نگرش و دیدگاه خاص خود را داشته باشد، لیکن آنچه که شاهد هستیم، این است که تمامی نیروهای سیاسی کردستان ایران اعم از چپ و ملی، اینک از مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران پشتیبانی

توهم شده و دست به تبلیغات بزند و مبارزات حزب دمکرات را وابسته به کشورهای خارجی قلمداد نماید؟

محمد نظیف قادری: ما اکنون در حال بررسی کلیت اوضاع سیاسی در ایران و کردستان هستیم. این یک حقیقت آشکار است و هیچ کس تردیدی در آن ندارد که رژیم جمهوری اسلامی از عقلانیت لازم برای دیالوگ و حل مسأله‌ی ملیت‌ها و مسأله‌ی سیاسی ملت کرد برخوردار نیست و سیاست جمهوری اسلامی همواره فشار و نفی و انکار هویت ملی کرد و سیاست سرکوب و ارباب است و بر تداوم این سیاست نیز اصرار می‌ورزد. از همین رو، ملیت‌های ایران و به ویژه ملت کرد و فرزندان مبارز آن، بدون هیچ دودلی و توهمی بایستی بیش از پیش در عرصه‌ی سیاسی ایران و سنگر مقاومت و مبارزه در کردستان ایران با شور و شوق بیشتری به ایفای نقش سیاسی و ملی خویش بپردازند. همچنان که کردستان تاکنون سنگر دفاع از آزادی در سرتاسر ایران بوده، باز هم بایستی تبدیل به همان سنگر تسخیرناپذیر شده و در آینده نیز بیش از گذشته بتواند فریاد رسای آزادی، دمکراسی و دفاع از اصول سیاسی و ملی ملت کرد و ارزش‌های انسانی باشد.

کردستان: استمرار و تداوم مرحله‌ی نوین مبارزات حزب دمکرات، بازتاب وسیعی در سطح جهانی داشته است. شما جنبه‌ی مثبت این حرکت را در چه می‌دانید؟

محمد نظیف قادری: موارد زیادی را می‌توان برشمرد. نخست اینکه جمهوری اسلامی در تبلیغات و رسانه‌های خویش ادعا می‌کرد که جنبش کرد در کردستان ایران نابود شده است و می‌کوشید تا به هر نحو ممکن فضای کردستان را بیش از پیش به پدیده‌های نامطلوب و زیانبار اجتماعی آلوده نماید، جوانان کرد را به مواد مخدر معتاد نموده و به سوی سنگرهای داعش هدایت نماید یا آنان را در صفوف جریانات تندرو و تروریستی وابسته به خویش به کشتن دهد. رژیم تلاش می‌کرد تا با امنیتی کردن هر چه بیشتر کردستان، فضای ترس و اضطراب را گسترش دهد. لیکن این حرکت حزب دمکرات کردستان ایران تمامی این توهमत را زود و در حقیقت پیام حزب دمکرات کردستان ایران که در سخنان نوروزی اسمال جناب آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران انعکاس یافت، این نوید را به توده‌های مردم داد که حزب دمکرات همان نیروی سیاسی است که در داخل کردستان و در عرصه‌ی سیاسی می‌تواند ایفای نقش نماید و توان و قدرت حزب دمکرات کردستان ایران همچنان به قوت خود باقی است و می‌تواند نویدبخش فعالتر شدن کادرها و پیشمرگه‌ها در میان توده‌های مردم کردستان بوده و روابط مبارزان دمکرات با فعالان سیاسی و مدنی را در سطحی گسترده‌تر سازماندهی کند و می‌تواند محوریت خویش را در جنبش میهنی و ملی کرد همانند آنچه که تاکنون نیز نشان داده است، عملاً نمایان سازد و در این ارتباط می‌توانم بگویم که تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی، بدخواهان ملت کرد و آن دسته از باندها و گروه‌هایی را که در سایه‌ی جمهوری اسلامی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مروج سیاست‌های رژیم می‌باشند، عقیم و بی‌تأثیر می‌نماید.

و فرایند نیل به دمکراسی برای یک ملت تحت ستم که برای تأمین حقوق خویش تلاش می‌کند، یاری می‌رساند. از دیدگاه ما، این نوع از رابطه جرم نیست. لیکن وابستگی یا سرسپردگی، متفاوت از رابطه‌ای است که بر مبنای موارد فوق‌الذکر شکل گرفته باشد، یعنی رابطه‌ای که مبتنی بر احترام متقابل، منافع مشترک و حفظ منافع ملت کرد باشد و رابطه‌ای ناشی از تصمیم سیاسی خود حزب دمکرات کردستان ایران باشد. به باور من، اینها موارد و نکات مهم و مثبتی جهت گسترش و پیشبرد روابط هستند که بایستی مد نظر قرار داده شوند.

کردستان: تداوم مبارزات حزب دمکرات که هم‌اینک خود را در مرحله‌ی نوینی از آن می‌بیند و به ویژه تحرکاتی که اخیراً آغاز شده‌اند، تبلیغات زهرآگین جدیدی از سوی جمهوری اسلامی و همفکرانش را علیه حزب دمکرات کردستان ایران مبنی بر وابستگی آن به برخی کشورهای منطقه برانگیخته است. این گونه توهमत و تصورات رژیم و همفکرانش ناشی از چیست؟

محمد نظیف قادری: به تجربه ثابت شده است که آن دسته از جریانات سیاسی ایرانی که چنین تصوراتی دارند، نمی‌خواهند که پیروسی دمکراتیزاسیون در ایران رشد نماید و ملیت‌های ایران به حقوق سیاسی و ملی خویش نائل شوند و جنبش کرد نیز به اهداف ملی خویش دست یابد، از همین رو، در هر برهه‌ی تاریخی به ترویج تبلیغاتی جهت کم‌رنگ نشان دادن تأثیرات مثبت چنین جنبشی دست می‌زنند که بر کلیت این پیروسی تأثیرگذار است. از همین رو، برخی نیروهای سیاسی رژیم جمهوری اسلامی که اقدام به انتشار چنین تبلیغاتی می‌نمایند، خود نیز دقیقاً می‌دانند که مسأله‌ی اینگونه نیست، لیکن می‌خواهند افکار عمومی را تحریف نموده و از تأثیرگذاری مستقیم و مثبت این مبارزه و جنبش در ایران و در میان ملیت‌های ایران، در مجامع و محافل سیاسی، سازمان‌های مدنی و فعالان سیاسی بکاهد و چنین وانمود کنند که ما وابسته به عواملی در جهان خارج و جریانات خارج از مرزهای ایران هستیم، به همین دلیل، این سیاست و این طرز فکر، طرز فکر جدیدی نیست، بلکه کاملاً نخنما و کلیشه‌ای می‌باشد.

عصر اینگونه تبلیغات رژیم به سر رسیده و کاملاً رنگ باخته است. زمانی جنبش کرد را متهم می‌کردند که وابسته به امپریالیسم آمریکا و استکبار جهانی یا فلان کشور همسایه است و اکنون نیز ما را متهم می‌کنند که با عربستان سعودی، قطر، آمریکا و طرف‌های دیگر رابطه داریم. آنان از این تبلیغات، مفاسد و نیات خاصی را دنبال می‌کنند که منظور از آن ایجاد تنشخ یا تردید در فضای سیاسی ایران است تا بیشتر بتوانند مقاصد ضد خلقی خویش در جهت سرکوب و کم‌ارزش نشان دادن نقش این مبارزات و تأثیرات آن بر جامعه‌ی کردستان و ایران را برآورده سازند. همچنین می‌خواهند نیروهای سرکوبگر بیشتری را برای حمله به کردستان و نیروهای پیشمرگه و دستگیری و کشتار مبارزان راه آزادی و میهن‌پرستان کرد بسیج نمایند.

کردستان: با گذشت بیست سال از تعلیق مبارزات مسلحانه، آیا لازم بود که جمهوری اسلامی اینچنین دچار

استمرار تلاش‌ها و مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران در شکل مرحله‌ی نوینی از مبارزات این حزب، دستگاه تبلیغاتی رژیم و سرسپردگان و مزدوران آن و همچنین مخالفان اعتلا و پویایی حزب دمکرات را یکصدا به روی صحنه آورده است تا این مبارزات را حاصل دیسیسه‌ای خارجی و وابسته به کشورهای همچون اسرائیل، عربستان، قطر و ... قلمداد کنند. به منظور بررسی و تحلیل این موضوع و آشنایی با اصول و بنیان‌های دیپلماسی و روابط در این حزب، گفتگویی با محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان انجام داده‌ایم که توجه خوانندگان گرامی "کردستان" را بدان جلب می‌نمایم:

گفتگو: سلیم زنجیری

ترجمه: سلام اسماعیل‌پور

کردستان: جناب آقای قادری! لطفاً از مبانی، اصول و بستری‌های که دیپلماسی و روابط خارجی حزب دمکرات کردستان ایران بر مبنای آنها استوار شده است، برایمان بگویید؟

محمد نظیف قادری: به طور کلی، اصول و مبانی روابط حزب دمکرات کردستان ایران با سایر احزاب و جریانات سیاسی و کشورها، مبتنی بر برخی اندیشه‌ها و مبانی سیاسی است که در مبارزات حزب دمکرات و جنبش رهایی‌بخش کردستان تبلور یافته است. نخستین مسأله‌ای که برای ما به عنوان یک اصل در برقراری روابط اهمیت دارد، از دو نکته‌ی مهم نشأت می‌گیرد: مبانی عمده و اساسی بایستی احترام متقابل و دو جانبه باشد. جوهره‌ی این رابطه نیز بایستی مبتنی بر خوداتکایی سیاسی و استقلال سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و حفظ منافع کلی جنبش رهایی‌بخش کرد در کردستان ایران باشد.

از بدو تأسیس جمهوری کردستان تاکنون، حزب ما با افتخار تمام توانسته است که این مبانی سیاسی نشأت گرفته از حفظ منافع ملت کرد، روند دمکراسیخواهی در ایران و همچنین رعایت قواعد و مقررات استاندارد در چهارچوب روابط را در رفتار و عملکرد سیاسی خویش لحاظ کند. از همین رو، حزب ما بر رابطه‌ای تأکید می‌کند که توأم با احترام متقابل، مبتنی بر منافع ملت کرد و دربردارنده‌ی اصل استقلال در تصمیم‌گیری سیاسی باشد. در این رابطه، با اطمینان به شما می‌گویم که حزب دمکرات توانسته است این سیاست را در عمل نیز اجرا کند و از سوابق درخشانی در این زمینه برخوردار بوده و نمونه‌ها و شواهد فراوانی برای اثبات این مسأله در دست است.

کردستان: آیا نیازی به کتمان مسأله یا اتخاذ موضعی تدافعی در مقابل این ادعا می‌بینید که با جریان یا دولت خاصی رابطه دارید یا خیر؟

محمد نظیف قادری: همواره اصل بر این بوده و هست که مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران، مبارزه‌ی متکی به اراده‌ی توده‌های مردم کردستان و نشأت‌گرفته از خواست‌ها و مطالبات ملت کرد می‌باشد. از همین رو، اگر هر فرد یا گروه یا کشور دمکراتیکی واقعیت جنبش کرد را پذیرفته و به نقض حقوق و استثمار ملت کرد معترف بوده و ما را یاری نماید، باور ما بر این است که به روند دفاع از آزادی، عدالت

جاودانگی دکتر صادق شرفکندی و رسوایی ادامه‌دار رژیم خمینی

حسن صالح‌زاده



لحظات حیات پر افتخارش به پیروی از رهنمودهای دبیرکل فرزانه‌اش وفادار ماند. متمرکز کردن قوای حزب علیه نظام آخوندی، تأکید بر ترویج اندیشه‌ی کادرپروری در سطوح مختلف، حذر نمودن از دسته‌بندی ناسالم درون سازمانی، تلاش برای تحکیم نیروهای اوبزسیون و مانورهای سیاسی در خارج از کشور، بخشی از تلاش‌های مشهود ایشان بود که شدت رنج فقدان دکتر عبدالرحمان قاسملو را تا حدی در میان اعضاء و طرفداران کاهش می‌داد.

با اندک ملاحظه‌ای به تاریخ مملو از رسوایی جمهوری اسلامی، روشن می‌شود که چرا مسئولین نظام خمینی با جهان‌بینی سرشار از بربریت و توحش، دستاویز طراحی روشنفکران و مبارزان راه آزادی می‌شوند. دکتر شرفکندی در حالی که کوله‌بار عذاب رنج ملتش را بر دوش نهاده بود و به منظور رفع تبعیض و تحقق آرمان‌های انسانی در پی چاره‌اندیشی بود، عده‌ای ددمنش دنیاپرست نقشه‌ی ریختن خون آنها را در سر می‌پروراندند. این آخوندهای مقام‌پرست به نام دین، قدرت را دست گرفته و بدون بهره‌وری از قوه‌ی تعقل و منطق بر جامعه‌ای حکومت می‌کردند که هر روز به نوعی آن را چپاول کرده و رسوایی‌های بی دریغی به بار می‌آوردند. حکومتی که در سایه‌ی طناب اعدام، قمه و سرزینوه پاسداران بی‌نام و نشان ظاهراً ادعای حکمرانی بی‌نام و نشان کردستان می‌کند و گرنه هیچ مقبولیت و اعتباری ندارد.

آخوندهای هوسران ولایت فقیه‌ی که در جهت کسب نیازهای دنیوی از هیچ جنایتی حذر نمی‌کنند، بدیهی است که ظرفیت تقبل یا حتی رویارویی

اندکی پس از ترور دکتر شرفکندی و یارانش در رستوران میکونوس، نام این مکان تغییر کرد. اکنون محلی به این نام در برلین وجود ندارد. برای عده‌ی کمی، میکونوس یک جزیره‌ی کوچک توریستی در یونان است، اما برای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان بخصوص مردم کردستان و ایران این واژه تداعی‌کننده‌ی ترورهایی است که بلندپایه‌ترین مقام‌های حکومت جمهوری اسلامی آمران آن تلقی می‌شوند.

به دنبال پذیرش مسئولیت سنگین رهبری حزب دمکرات کردستان ایران که در فقدان دکتر قاسملو به دکتر شرفکندی رسید، عمال رژیم تهران به وضوح دریافته بودند که ایشان موفق به پوشش خلأ فضای دبیرکلی حزب شده است. به طور بدیهی رهبری و ارگان‌های حزبی مصمتر و با شتاب بیشتر از قبل با نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در نبرد بودند. علاوه بر ارتقای انگیزش آنها در جهت اکتساب آرمان‌هایشان، نوعی روحیه‌ی انتقامجویی هم در جنبش به چشم می‌خورد. این شرایط از طرفی نه تنها حامیان و مردم کردستان را به ادامه‌ی راه امیدوار می‌نمود، بلکه موجب یأس و سرخوردگی عوامل و مسئولان حاکمیت ستمکار آخوندی به این معنا که در نتیجه‌ی جنایت قتل دکتر قاسملو راه به جایی نبرده‌اند، می‌شد.

دکتر شرفکندی علاوه بر اینکه اصول دمکراتیک را در فرایند مسئولیت رهبری به اثبات رساند، تا واپسین

با افکار دکتر شرفکندی و امثالش را نداشتند و در نتیجه به سادگی کشتن را بر گفتمان و مذاکره ترجیح می‌دهند. مسئولان فاسدی که از راه دسیسه از نردبان قدرت، خود را بالا کشیده و بر مردم تحمیل نموده‌اند، چگونه استعداد پذیرش دمکراسی را داشته باشند؟ اینان روند مردم‌سالاری و گذار به مرحله‌ی دمکراسی را تهدیدی جدی برای جایگاه خویش به حساب می‌آورند. استقرار حکومت مردمی و انتخابات آزاد به معنای بر باد رفتن قدرت به چنگ آورده شده‌ی دسیسه‌گران است، لذا آنها با دستاویز شدن به روش‌های غیر انسانی و ننگین با حامیان آزادی و دمکراسی مقابله می‌کنند. بنابراین کشتی دریای متعفن رژیم جمهوری اسلامی به جز در کشتارگاه‌های مخوف مطبوع خود در هیچ میدان دیگری حاضر به پذیرش آزادیخواهان داخل و خارج نیست و گنجایش تغییر مثنی همیشگی خود را که همان درنده‌خویی است، ندارد، مگر آنکه در تنگنا قرار گیرند.

سال ۱۹۹۲ مائشین قاره‌پیمای ترور حکومت جمهوری اسلامی جنایت‌پیشه که تجارب زیادی را از کشتار دگراندیشان و فعالان سیاسی کسب کرده بود، بی محابا ردپای دکتر شرفکندی را دنبال می‌کرد. تروریست‌ها چنان پیش‌بینی می‌کردند که به سهولت خواهند توانست آثار این جنایت را پشت سر گذاشته و در میان لایه‌های سودای بازرگانی بین‌المللی حل و فصلش کنند. اما همان گونه که دیده شد، تمام پیشگویی‌ها به گونه‌ای دیگر رقم خوردند.

دادگاه قضایی ترور دکتر شرفکندی که به نام "دادگاه میکونوس" معروف

شد، توجه جهانیان را برانگیخت. این دادگاه پس از حدود پنج سال فعالیت، سرانجام بلندپایه‌ترین سران دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان آمران قتل و چهار تن از گماشتگان دولتی را هم به عنوان عاملان این ترور معرفی کرد. مقامات قضایی آلمان، رؤسای جمهوری اسلامی و در صدر آنها علی خامنه‌ای را عاملان اصلی این ترور معرفی کردند. با وجود تلاش‌های مکرر رژیم، سران نظام نتوانستند آن گونه که در ترور دکتر قاسملو دولت اتریش ساخت و یاخت کرده بودند، دولت آلمان را نیز بخرند. قضیه‌ی میکونوس روابط دو کشور را به وخیم‌ترین حالت ممکن رساند. تمامی دول اروپایی سفیران خود را از تهران فرا خواندند. اگرچه خامنه‌ای برای ساده جلوه دادن قضیه مکرر خطاب به مردم عنوان می‌کرد که سفیران خودشان برخوانند گشت، همان طور که با میل خویش ایران را ترک کرده‌اند. اما در واقع قضیه اینقدر هم ساده نبود که رهبر ولایت ترور و اعدام بیان می‌کرد.

سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی به دنبال اخذ تعهداتی مهم دفاتر خود را در ایران بازگشایی نمودند و برای همیشه به سرکشی‌های تروریست‌های جمهوری اسلامی که تحت نام سفیر در اروپا فعالیت می‌کردند، پایان دادند. همانطور که تاریخ بیست ساله‌ی اخیر گواهی می‌دهد، در تعهدات فیما بین، دولت‌های اروپایی، جمهوری اعدام و کشتار را ناچار کردند که به تاخت‌وتاز توحش‌آسای خود در خاک اروپا پایان دهد. لذا رأی دادگاه میکونوس هزینده سنگینی برای دولت ایران و حامیان تروریسم بین‌المللی در

برداشت و از سوی دیگر نقطه‌ی عطفی بود که در آن تحرکات تروریستی نظام در اروپا به پایینترین حد خود رسید. در مورد «دادگاه میکونوس» اسناد بسیار زیادی وجود دارد. چندین جلد کتاب به زبان‌های کوردی، فارسی، آلمانی و غیره به صورت مستند انتشار داده شده‌اند. مجموعه‌ای از مقالات، تحقیقات و گفتگوها با اشخاص متفاوت و حتی کسانی که در این دادگاه من جمله وکلا حضور داشته‌اند تدارک دیده شده است. ۶ سال پیش نیز نمایش فیلم مستند جدیدی درباره‌ی واقعه‌ی میکونوس با عنوان "ترور در برلین" بار دیگر بحث تروریسم دولتی حکومت جمهوری اسلامی را به رسانه‌های غربی کشاند. به طور مکرر در سالروز این عملیات تروریستی مأموران بی‌هویت نظام آخوندی علیه دکتر شرفکندی و یاران وفادارش، در آلمان و دیگر کشورها برنامه‌های مختلفی به ویژه در برلین، برگزار می‌شود که محور اغلب آنها محکوم کردن تروریسم دولتی جمهوری اسلامی است.

در تمامی آثار بیان شده، نقش و شخصیت دکتر شرفکندی با رویکردی مؤثر و با قداست به تصویر کشیده می‌شود و سپس حقانیت و اقتدار حزب دمکرات کردستان ایران را در پی دارد. در عوض، رسوایی‌های رهبران جمهوری اسلامی و بیرون دگم خمینی جنایتکار مدام به‌روز می‌شود و در واقع این حوادث برخلاف چیزی است که نظام جمهوری اسلامی می‌خواست.

سران رژیم، حکم دادگاه میکونوس را سیاسی و مغرضانه خواندند و مدعی شدند که این حکم تحت تأثیر آمریکا

و اسرائیل صادر شده است. به رغم این ادعا، روشن است که تأثیر حکم دادگاه میکونوس بسیار کاری بوده و ضربه‌ای که به حیثیت مخدوش رهبران جمهوری اسلامی وارد شد، جبران‌ناپذیر و برای همیشه در تاریخ ماندگار خواهد بود.

همانگونه که بیان شد، جوانب دادگاه میکونوس به حدی وسیع است که با صدور حکم دادگاه و سال‌ها پس از آن به پایان نمی‌رسد. حدود هشت سال بعد یعنی سال ۲۰۰۴، "مونیکا تیمین" شهردار منطقه‌ی شارلوتن‌بورگ برلین، به رغم اعتراض شدید مقام‌های جمهوری اسلامی از لوح یادبود قربانیان میکونوس پرده‌برداری کرد. بر این لوح با ذکر نام قربانیان آمده است که آنها در این مکان "توسط زمامداران وقت ایران به قتل رسیدند".

متن این لوح به درخواست برخی مقام‌های محلی اندکی تعدیل یافته است. در متنی که بیشتر بر سر آن توافق شده بود عامل ترور میکونوس، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی معرفی شده بود. در متن حکم قاضی دادگاه میکونوس نیز تصریح شده که قتل چهار فعال سیاسی ایرانی "از سوی رهبران ایران به اجرا گذاشته شده است". مونیکا تیمین در این مراسم گفت: "میهمانان شهر ما توسط فرستادگان حکومت ایران ترور شدند". در روایی و حقانیت دادگاه میکونوس و قداست روح صداقت و حق‌طلبی دکتر صادق شرفکندی و همراهان استوارش، این انتظار و قوای درونی نهفته است که هر دم شاهد رسوایی تازه‌ی پاسداران جهل و بربریت در ایران باشیم.

از جنگ نیابتی تا احتمال جنگ مستقیم ایران و عربستان

ابراهیم قاسمی‌زاد



کشور توانسته است متحدانی از نوع مذهبی در منطقه و جهان با خود همگام نماید. این در حالیست که بیش از بیست میلیون نفر ایرانی در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بیش از پنج میلیون نفر مبتلا به مواد مخدر هستند. همچنین آمار بیکاری جوانان و طلاق روزافزون و از هم پاشیدگی خانواده‌ها به علت فقر اقتصادی کشور را با بحران عمیق اجتماعی روبرو کرده است. از بعد سیاسی و آزادی عقاید و افکار اگر بنگریم، با یک مثال ساده می‌توانیم واقفیت آزادی را در ایران چنین بیان کنیم: کسانی که روزی سمت رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیری و یا ریاست مجلس را بر عهده داشتند، امروز به خاطر انتقاد از عملکرد دولت ممنوع‌التصویر شده و یا در حصر خانگی با بدترین شرایط به سر می‌برند. با این توصیف نیازی به بحث در مورد وضعیت دگراندیشان و مخالفان رژیم جمهوری اسلامی نمی‌ماند.

در جریان قتل‌های زنجیره‌ای علمای اهل تسنن بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ در ایران، بالغ بر هفتاد تن از روشنفکران اهل سنت حذف فیزیکی و اعدام گردیدند. جمهوری اسلامی با قتل فجیع ملا محمد ربیعی، امام جمعه‌ی اهل تسنن کرمانشان به بهانه‌ی انتقاد از سریال تلویزیونی امام علی و داشتن ده‌ها نمونه از این ترورها در پرونده سیاه خود، امروز به بهانه‌ی اعدام یک شهروند شیعه‌مذهب در کشور همسایه دوباره تشنج سیاسی در منطقه را به نقطه‌ی انفجار رسانده است. علاوه بر تشنج ناشی از اعدام شیخ نمر النمر و

زمینه‌ی تنش میان ایران و عربستان سعودی را به جرأت می‌توان به ابتدای ورود اسلام از شبه‌جزیره‌ی عربستان به سرزمینی که امروز ایران نامیده می‌شود، ربط داد (حداقل در بعد مذهبی آن). به اقتضای زمان و مکان، تنش ریشه‌دار در بستر تاریخ در روابط بین دو کشور در شکل‌های متفاوت گاه بروز و گاهی نیز فروکش کرده، ولی هیچ گاه از بین نرفته است. اختلافاتی که گاه می‌توان آن را به جنگی فرسایشی تشبیه کرد و در مراحل سبب قطع رابطه‌ی مقطعی بین دو کشور شده است، امروز به حد بی‌سابقه‌ای بالا گرفته و مناسبات بین دو کشور را به تعطیلی کامل کشانده است. این دو کشور علاوه بر درگیری‌های ایدئولوژیک، دینی، مذهبی و اقتصادی، در سال‌های اخیر یک جنگ نیابتی را در کشورهای جنگ‌زده‌ی همسایه به راه انداخته و هر روز بر شدت آن می‌افزایند. افزایش این تنش‌ها بود که در هفته‌های اخیر سبب قطع کامل مناسبات سیاسی بین دو کشور شد. با توجه به بحران‌تیر شدن اوضاع منطقه و استیلاخواهی و هژمونی طلبی مذهبی، چه بسا که در آینده‌ای نه چندان دور دو کشور منافع سیاسی و اقتصادی همدیگر را نیز هدف قرار دهند و در نهایت به جنگی بزرگ در خاورمیانه دامن بزنند.

ایران بیش از سه دهه است که در راستای برنامه‌ی خمینی برای صدور انقلاب، با صرف ثروت ملی مردم

از اقدامات تندروانه‌تر ایران ائتلافی در بین کشورهای عربی و اسلامی تشکیل دهد که در آینده می‌تواند برای ایران مشکل‌ساز و شاید هم خطرناک باشد. بعید نیست که هدف عربستان از ایجاد ائتلاف و اعمال تدابیر و راهکارهای امنیتی جدید در منطقه، نخست پاسخ دادن به سیاست نادرست غرب و آمریکا در قبال ایران، نادیده گرفتن دست‌اندازی، تجاوز و شرارت‌های این رژیم در منطقه و کشورهای همسایه به ویژه همکاری با این رژیم در جبهه به اصطلاح جنگ با گروه تروریستی داعش در عراق باشد. ولی نباید تلاش برای حفظ منافع اقتصادی در

منطقه‌ی بحران‌زده‌ی خاورمیانه را نیز نادیده گرفت. در هر حال آمادگی برای واکنش به هر کنش و حرکتی از سوی ایران در منطقه مد نظر عربستان است و این خود می‌تواند احتمال رویارویی مستقیم بین دو کشور را افزایش دهد. کشورهای اسلامی و در صدر آنها ایران و عربستان امروز در شرایطی قرار گرفته‌اند که اروپا در قرن هفدهم و سپس در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم در آن به سر می‌برد که در آن قدرت‌ها با اصرار بر حل مسائل از طریق نظامی، جنگ و خونریزی، دخالت در امور داخلی کشورها و برپایی جنگ‌های نیابتی و فرقه‌ای و

مذهبی سعی در ایجاد تعادل و پالانس قدرت داشتند. ولی کشورهای اروپایی با گذشت زمان دریافتند که تنها راه نجات از این وضعیت بحرانی، ایجاد یک امنیت مشترک با رعایت حقوق همه‌ی اقلیت‌ها، ملت‌ها، رنگ‌ها، گروه‌های اقلیتی، مذهبی و قومی است. به شیوه‌ای که آن‌ها رقابت‌های نظامی ویرانگر را کنار گذاشته و رقابت سالم در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک را جایگزین آن کنند. ولی با وجود رژیم‌ی چون جمهوری اسلامی در ایران و منطقه این امکان جزو محالات است.



جنگ برای جنگ سی و هفتمین سال آغاز جنگ عراق - ایران

غالب حبیبی

بود ارتش عراق را از تمامی سرزمین‌هایش بیرون براند، اما از آن زمان به بعد و با قدرت‌گیری فرماندهان نظامی سپاه پاسداران، اغراض سیاسی نظیر «تثبیت موقعیت»، این انگیزه را در میان مقامات رده‌بالای حکومتی تقویت کرد که بایستی جنگ را به داخل خاک عراق کشاند تا شعار «راه قدس از کربلا می‌گذرد» عملی‌تر شود. اینطور هم شد و سال‌های ۶۳ و ۶۴ برای طرفین درگیر یکسان بود، یعنی نه پیشرفت و نه عقب‌نشینی، اما از اواسط زمستان ۶۴ ایران برای نخستین بار کنترل یکی از شهرهای عراق (فاو) را در دست گرفت و عراقی هم در تلافی اقدام سپاه، شهر کردنشین مه‌ران در استان ایلام را در بهار سال بعد اشغال کرد. در همان زمستان ۶۵، فرماندهان سپاه که خمینی را بد از شرایط جنگ مطلع کردند، عملیات موسوم به کربلای ۴ را برای درهم شکستن ارتش عراق در حومه‌ی بصره شروع کردند که منجر به شکست خفت‌بار سپاه و کشته‌شدن حداقل ۸ هزار سرباز ایرانی شد. سران رژیم ایران که تا زمستان ۶۶ هیچ‌گونه پیشرویی در جبهه‌های جنوبی جنگ کسب نکرده بودند، میدان جنگ را به امید دستیابی به موفقیت‌های جنگی به کردستان منتقل کردند، چنین اقدامی نه تنها هیچ موفقیتی در پی نداشت، بلکه شهر فاو را نیز از دست دادند و موجی از حملات موشکی به شهرها به ویژه شهرهای کردستان از سوی عراق آغاز و هزاران شهروند غیرنظامی قربانی چنین رویکرد نظامی ایران شدند و هزاران میلیارد تومان خسارت به زیرساخت‌های شهری وارد آمد. با ایجاد چنین وضعیتی در جبهه‌های جنگ و بروز اعتراضات عمومی و سردرگمی فرماندهان سپاه در نهایت در اواخر تیرماه ۱۳۶۷، خمینی با قبول قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل متحد، جام زهر را نوشید. شرایطی که رژیم بعث در مدت یک ماه و تا ۲۹ مردادماه ۶۷ تمامی مناطق تحت کنترل ایران را پس گرفت و حتی شهر اهواز را نیز محاصره و توازن اسرای جنگی را به نفع خود تمام کرد.

رویکردی جامعه‌شناختی
جامعه‌شناسان اگر در علل و عواقب جنگ با یکدیگر اختلاف‌نظر داشته باشند ولی در این اصل که «جنگ پدیده‌ای طبیعی است» باهم اتفاق‌نظر دارند. نتایج جنگ نیز آنان (جامعه‌شناسان) را در دو جبهه قرار داده؛ نظریات خوشبینانه که جنگ را زاده‌ی ساختار اجتماعی می‌داند کهص بایستی درگون شود و نیز نظریات بدبینانه که جنگ را ابدی و مفید می‌داند. در مورد جنگ میان عراق و ایران، چندین دیدگاه جامعه‌شناسانه به آسیب‌شناسی آن پرداخته و آن را واکاوی کرده‌اند. یکی از آنها، نظریه تالکوت پارسونز جامعه‌شناس کارکردگرایی ساختاری (Structural functionalism) می‌باشد که مقاله‌ی مفصلی از سوی دکتر ساسان ودیعه عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در این رابطه به رشته تحریر درآمده است.

به باور پارسونز، جوامع بشری از چهار خرده‌نظام (Social Sub Sistem) زیستی، شخصی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل یافته که هرکدام دارای کارکرد (function)های مختلفی هستند. برای مثال تطبیق و انسجام (adaptation) کارکرد اصلی خرده‌نظام زیستی می‌باشد که نهاد (Institution) اقتصاد از طریق کار و تولید آن را به مورد اجراء در می‌آورد. یعنی جامعه از مسیر کار و فعالیت، خود را به محیط پیوند می‌دهد. خرده‌نظام شخصیتی نیز از طریق تعیین اهداف نظام و بسیج منابع و با استفاده از نهاد سیاست برای دست یابی به اهداف تلاش می‌کند. این متفکر آمریکایی برای خرده‌نظام اجتماعی و فرهنگی به کارکردهای یکپارچگی (Integration) و حفظ الگو (Pattern Maintenance) اشاره می‌کند که نهادهای متناظر آن به ترتیب: مجلس و دستگاه قضایی به‌همراه ارزش و هنجارهای درون جامعه هستند. خرده‌نظام‌های مورد اشاره دارای ترتیب سلسله مراتبی و سبب‌رئیتی خاصی‌اند.

پارسونز با الهام گرفتن از نظریه‌ی سبب‌رئیتی بیان می‌دارد که نظام کنش، محل گردش بی‌وقفه‌ی انرژی و اطلاعات است و همین مبادله‌ی انرژی و اطلاعات میان خرده‌نظام‌هاست که کنش نظام را برمی‌انگیزد. دکتر ساسان ودیعه در توضیح نظریه و ارتباط خرده‌نظام‌ها اضافه می‌کند که به غیر از مبادله‌ی انرژی و اطلاعات، مبادله‌ی داده- ستانده (input-output) نیز بین خرده‌نظام‌ها برقرار است. هر خرده‌نظامی از سایر خرده‌نظام‌ها آن چه را که برای تداوم کارکردش حیاتی است دریافت می‌کند و در عوض، ستانده در اختیار سایر خرده‌نظام‌ها قرار می‌دهد.

در ارتباط با شرایط اقتصادی ایران در زمان جنگ، کسی منکر آشوب و فساد در این نهاد مهم نیست. نفت که همواره منبع اصلی درآمد (به ویژه ارزی) ایران بوده، در طی ۸ سال جنگ به میزان قابل توجهی با افت همراه گشت. این وضعیت به همراه صعود هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و بالا رفتن آمار بیکاری و تورم کنار آن، تمامی ابعاد زندگی اجتماعی و سیاسی مردم را تحت تأثیر قرار داده و خرده‌نظام شخصیتی نیز به طبع و دگرگونی گردید. این گروه هم که سیاست را به عنوان رکن اساسی و اصلی در نظر دارند و اهداف را در توجه به ملزومات و احتمالات تعریف می‌کنند، هنگامی که متوجه می‌شوند سرمایه، کار و فرصت‌ها به دلیل بحران اقتصادی با متحمل شدن صدها میلیارد دلار دچار ورشکستگی شده است، طرح‌ها و برنامه‌هایشان را با شکست و نابودی مواجه می‌بینند. از نشانگان واضح و آشکار شرایط مذکور، شکست برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی -۱۳۶۲- است که طی آن نتوانستند به هیچ‌کدام از اهداف مشخص شده همچون رفع وابستگی نفتی، افزایش سطح صادرات غیر نفتی، توسعه حوزه کشاورزی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کنترل تورم دست یابند. این خرده سیستم با در پیش گرفتن تئوری پارسونز،

نقش هماهنگ کردن و منسجم ساختن جامعه را از طریق قانون و قانون‌مندی در پیش گرفت و در پی همبستگی اجتماعی بود که می‌توان نمود آن را در ۵ سال پایانی جنگ دید که با بیشترین مصوبات قانونی جهت سامان دادن به شرایط زندگی مردم و پیشگیری از آشفتگی اجتماعی مواجهیم. در همین دوران بود که اصطلاح ترور اقتصادی وارد گفتمان سیاسی سران رژیم اسلامی ایران شد و به کسانی که وخامت اقتصادی جامعه را در نظر نمی‌گرفتند و از مالیات دادن سرباز می‌زدند هشدار می‌دادند. آشفتگی جامعه ایرانی طی ۳ سال آخر جنگ به اوج خود رسید و در لبه نابودی اجتماعی- درونی قرار گرفت. نهایتاً جنگ و شرایط اجتماعی نیز تأثیر خود را بر خرده سیستم فرهنگی گذاشت که مستقیماً با سه خرده سیستم دیگر در ارتباط بود. از همان ابتدا رژیم ایران با در پیش گرفتن شعارهایی همچون «جنگ نعمت الهی‌ست»، «دفاع از کشور»، «راه قدس از کربلا می‌گذرد» و... جنگ را از محتوای اصلی خود تهی کردند و توانستند نوعی از بسیج همگانی علی‌الخصوص در شهرهای مرکزی ایران ایجاد کنند، اما بعدها که انرژی و آگاهی جنگ از خرده سیستم زیستی به خرده سیستم فرهنگی منتقل شد، همانگونه که پارسونز متذکر می‌شود انگیزه و باورهای مردم تحت تأثیر زبان‌ها و فشارهای جنگ که روزبه‌روز بیشتر و طاقت‌فرساتر می‌شد، متحول شده و ارزش‌هایی همچون دفاع، فداکاری، قناعت و امید به آینده ضعیف و ضعیف‌تر شده که این نیز به نوبه خود اتحاد و همبستگی اجتماعی را به شدت مورد تهدید قرار داد. در واقع در همان ۴ سال پایانی جنگ بود که موج مهاجرت گسترده روستایان مرز نشین به شهرها، فرستادن اجباری جوانان به جبهه‌های جنگ و تهی شدن پادگان‌ها و اختلاف نظامی ارتش و سپاه گسترش یافت و خمینی نیز بالاچار جام زهر را سر کشید.

نتیجه گیری
یکی از عوامل وقوع جنگ ایران

و عراق، در پیش گرفتن سیاست صدور انقلاب به خارج از مرزهای ایران از سوی مستولان رژیم اسلامی ایران بود که مانند محرکی در شعله‌ور شدن و تداوم جنگ ۸ساله از آن نام برده می‌شود. خمینی طی چندین پیام، چه قبل و چه بعد از آغاز جنگ- مستقیماً به صدام حسین و همراهی‌اش با کفار زمانه اشاره کرده بود و نابودی او را تکلیفی شرعی و در جهت انتقام خون امام حسین تعریف کرده بود. دیدگاه مذکور که در ادبیات امروزی به «آخرالزمانی» شناخته شده است، همان دیدگاهی‌ست که جنگ را نه برای صلح، بلکه برای جنگ می‌خواهد.

ایران و ارقام مربوط به جنگ:
- روزهای جنگ/ ۲۸۸۸ روز
- کشته/ ۲۳۴۰۰۰ نفر
- مجروح/ ۶۷۲ هزار نفر
- مفقودالثر/ ۵۵۰۰ نفر
- در فاصله‌ی هجده‌ماه ۱۳۵۷ تا مهرماه ۱۳۶۱، دست کم ۱۰ تن از فرماندهان بلندپایه‌ی ارتش ترور یا اعدام شده یا به مرگ طبیعی مرده‌اند.

زبان‌های مادی/ بیش از یک تریلیون دلار (بر طبق ارزیابی ایران).

- زبان‌های مادی/ کمتر از یکصد میلیارد دلار (طبق برآورد نهایی سازمان ملل متحد)

- نزدیک به ۹۰۰ هزار واحد مسکونی در شهرها و روستاها تخریب شدند.

- بیش از ۴۱ درصد از کل بودجه به امور نظامی و امنیتی اختصاص یافت.

- در اوایل جنگ، بیش از ۱۳۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران به تصرف ارتش عراق درآمد.

- در میان ۵۵ کشور اسلامی، فقط سوریه و لیبی از ایران حمایت نمودند.

سازش ایران پیش از جنگ توسط صنایع نظامی آمریکا، آلمان غربی و انگلستان تجهیز و تدارک شده بود و در هنگامه‌ی جنگ نیز کشورهای اروپای غربی، کره‌ی جنوبی و تایوان به تجهیز آن پرداختند.



چشم‌انداز جنگ

تا موقعی که هاشمی رفسنجانی از سران رژیم و سردمدار جنگ عراق - ایران خاطرات خود از آن دوران را انتشار نداد، اسرار پشت پرده‌ی جنگ و عوامل تداوم شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» فقط و فقط در نزد نظامیان عالی‌رتبه بود و بس. ولی سال‌های پس از جنگ زمزمه اشتباهات جنگ و بی‌هودگی آن رساتر گردیدند. اوایل سال ۶۳ تا حدودی ایران توانسته

اهمیت دانشگاه در راسان و نقش دانشگاه‌های کرمانشاه در این چارچوب

آسو صالح

است. حساس کرمانشاه و دید شدید امنیتی بر دانشجویان کورد در این منطقه، کار را بیش از پیش دشوار می‌کند. اما آنچه مسلم می‌باشد، این است که جنبش دانشجویی همواره و در هر شرایطی سیالیت خود را حفظ کرده و همواره در پی منفذی برای تنفس برآمده است، به همین سبب متوقف کردن این جنبش امکان ندارد. جنبش دانشجویی کوردی نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما با تمام این اوصاف جنبش مذکور طی سال‌های اخیر همواره سعی کرده است که خود را زنده نگه دارد. تشکیل بزرگترین تشکل دانشجویی کوردی در تاریخ این جنبش (اتحادیه‌ی دموکراتیک ایران) نتیجه‌ی همین تلاش‌ها می‌باشد. در حالی که تشکل‌های سراسری مشابه (از قبیل دفتر تحکیم وحدت) با وجود بودجه‌های میلیونی کم کم به باد فراموشی سپرده می‌شدند، جنبش دانشجویی کوردی با تکیه با توان دانشجویان کورد، بزرگترین نشریات دانشجویی را منتشر و بزرگترین همایش‌های دانشجویی را برگزار می‌کرد.

یکی از نقاط قوت برای انجام فعالیت‌های دانشجویی در قالب جنبش دانشجویی کوردی در کرمانشاه، به جز دسترسی به امکانات بزرگترین شهر کوردنشین، تعداد زیاد دانشجویان (کورد) در دانشگاه‌های این شهر می‌باشد. تعداد زیاد این دانشجویان امکان سازماندهی راحتتر را برای فعالین دانشجویی فراهم می‌آورد. همزمان این امر (احتمالاً) به افزایش تعداد تشکل‌های دانشجویی و فعالیت‌های گسترده‌تر منجر می‌شود. از سوی دیگر دانشجویان کورد و فعالین کورد، به عنوان بخشی از نخبگان آینده جنبش کوردی در شرق کوردستان، امکان آشنایی با وضعیت سیاسی، امنیتی و اجتماعی کرمانشاه و ایلام را به دست می‌آورد. این بخش از کوردستان ایران به دلایل مختلف که توضیح آن در چارچوب این نوشته نمی‌گنجد، وضعیت متفاوتتری دارد. آشنایی با این وضعیت به برطرف نمودن کاستی‌های تاریخی جنبش کوردی در رابطه با این مناطق و کاربردی کردن آن در جنبش نوین راسان، یاری می‌رساند. ولی در عین حال موقعیت

گام برداشته‌اند که قطعاً با هزینه‌هایی نیز همراه بوده است. دانشگاه‌های اصلی کرمانشاه (رازی و علوم پزشکی) بزرگترین دانشگاه‌های کوردستان ایران هستند. بالغ بر سی هزار دانشجو در این دانشگاه‌ها به تحصیل مشغولند. این دانشگاه‌ها در کنار دانشگاه‌های تهران و تبریز، مهد شکل‌گیری و گسترش جنبش دانشجویی کوردی بوده‌اند. با افزایش فشارها بر جامعه‌ی مدنی، جنبش دانشجویی نیز تحت فشارهایی قرار گرفت و کم‌کم از فعالیت و تأثیرگذاری آن کاسته شد. بسیاری از فعالین دانشجویی بازداشت یا از دانشگاه‌ها اخراج شدند، تشکل‌های دانشجویی تعطیل و نشریات دانشجویان توقیف شدند. این مسأله به صورت مضاعف دامن جنبش دانشجویی کوردی -به ویژه در دانشگاه‌های کرمانشاه- را نیز گرفت.

انتظار می‌رود با طرح دوباره و جدیت مطالبات ملت تحت ستم کورد در قالب جنبش راسان، جنبش دانشجویی کوردی نیز در راستای این مطالبات برحق فعالیت شود. بی‌شک یکی از قطب‌های آغاز دوباره‌ی این جنبش و ورودش به عرصه‌ی فعالیت، مانند گذشته، کرمانشاه

مفاهیمی چون آزادی، هویت و عدالت به جستجو و سؤال کردن می‌پردازد. این امر گام اول برای سازماندهی دانشجویان در قالب انجمن‌های دانشجویی یا نشریه‌های دانشجویی است و این خود جنبش بزرگ دانشجویی را شکل می‌دهد که در تاریخ و در جنبش‌های مختلف جایگاه ویژه و تأثیرگذاری داشته است.

جنبش دانشجویی کوردی در ایران زیرشاخه‌ای از جنبش دانشجویی سراسری نیست. تاریخ، اعضا و مطالبات این جنبش کاملاً جدای از جنبش دانشجویی سراسری است. جنبش دانشجویی کوردی خود را در قالب یک جنبش ملی یا هویتی (کوردی) تعریف می‌کند. به همین دلیل مطالبات این جنبش با مطالبات جنبش کوردی همپوشانی دارند. وجود ده‌ها تشکل و نشریه‌ی دانشجویی کوردی در دانشگاه‌های ایران طی بیست سال اخیر، نشاندهنده‌ی این واقعیت است که خلأ وجود چنین تشکلات و نشریاتی در عرصه‌ی دانشجویی احساس شده، بسترهای موجود در جنبش دانشجویی سراسری را ناکافی دانسته و دانشجویان کورد در راستای رفع این خلأ

و کلان است. سازماندهی دوباره از نتایج بارز این تغییر می‌باشد که مصداق آن را می‌توانیم در دانشگاه‌ها مشاهده کنیم.

فلسفه‌ی راسان تنها اسلحه و آغاز مبارزه‌ی مسلحانه نیست، بلکه آغاز مبارزه‌ی است که سال‌هاست هم در کوهستان‌های کوردستان ساکت شده و هم در شهرها خاموش شده است. به گفته‌ی دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران در این فلسفه، حتی آنهایی نیز که با مبارزه‌ی مسلحانه موافق نیستند و به این نوع مبارزه باور ندارند، جای می‌گیرند. بدین ترتیب راسان چارچوبی سفت و سخت مانند ایدئولوژی‌های رایج نیست که مبارزات را محدود کند. این ویژگی راسان موجب می‌شود که بتوان آن را با هر نوع مبارزه‌ی علیه سرکوب، بی‌عدالتی و انکار هویتی از سوی حاکمیت، هماهنگ کرد.

یکی از پایه‌های اساسی در مبارزه‌ی شهر فعالیت‌های دانشجویی یا به صورت عامتر "جنبش دانشجویی" می‌باشد. دانشجو که در اساس فردی پرسشگر است، با ورود به دانشگاه و امکان ارتباط با صدها دانشجوی دیگر، به صورت ملموس‌تر درباره‌ی

فلسفه‌ی "راسان" یا رستاخیز -که حزب دموکرات کوردستان ایران این عنوان را برای مرحله نوین مبارزاتش انتخاب کرده- گره زدن مبارزات شهری و مبارزات کوهستان است. مبارزات شهر شامل هر نوع مبارزاتی به جز مبارزات مسلحانه می‌باشد که بیشتر "مبارزه‌ی مدنی" خوانده می‌شود و شامل فعالیت در سازمان‌های مدنی و یا مشارکت در اعتراضات درون شهری و مدنی است. بدین ترتیب راسان، کمپینی برای مبارزه در تمام ابعاد است.

"راسان" جوش و خروش تازه‌ای از مبارزات را در کوردستان ایران ایجاد کرده است. یکی از مهمترین دستاوردهای "راسان" برای ملت‌مان در شرق کوردستان، کسب دوباره اعتماد به نفس و امید از دست رفته می‌باشد. مردم که تحت فشارهای کمرشکن اقتصادی و سیاسی (امنیتی) قرار دارند، اعتماد به نفس خود و امیدشان برای تغییر را از دست داده بودند. اعتماد به نفس و امید سنگ بنای ایجاد تغییرات خرد

تراژدی تلخ و بی پایان آتش در دامان عروس زاگرس

ده‌ها هکتار از جنگل‌ها و مراتع زاگرس اینبار در منطقه‌ی "تنگه قیر" شهرستان چرداول استان ایلام در میان گدازه‌های آتش و دود خاکستر شد. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، پس از چهار روز بالاخره حریق در منطقه‌ی تنگه قیر مهار شد. در حریق تنگه قیر تاکنون حدود ۴۰ هکتار از اراضی جنگلی و طبیعی در آتش سوخته است. این به آتش کشیدن‌های گسترده، ده‌ها هکتار از جنگل‌های زاگرس را که زیستگاه جانوران و شش‌های منطقه برای تصفیه‌ی هوا خوانده می‌شوند، از بین برد.

عروس زاگرس رویشگاه اصلی درختان بلوط، گرفتار آتشی است که عامل به آتش کشیدن‌های مکرر آنسانی است آیا برای از دست دادن میراث گرانقدر طبیعی خود در زاگرس به اندازه کافی زجر نکشیده‌ایم چرا این روند تلخ و تراژدی ادامه دارد؟

ده‌ها هکتار جنگل طبیعی در گیلان غرب سوخت

حریق ۸ ساعته در جنگل‌های شهرستان گیلان‌غرب به ناپودی ۸۰ هکتار جنگل منجر گردید.

به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، از ظهر روز پنجشنبه، بیست و پنجم شهریورماه، جنگل‌های اطراف دهستان "چله" در بخش مرکزی گیلان‌غرب دچار آتش‌سوزی شده است. در این حریق که تا نیمه‌شب گذشته تداوم یافت، ۸۰ هکتار جنگل و مرتع مشجر(درختزار) به ناپودی کشیده شد. فعالین زیست‌محیطی از نخستین گروه‌های بودند که اقدام به اطفاء حریق کردند.

فرماندار گیلان‌غرب با اعلام این خبر به خبرگزاری حکومتی "ایرنا" گفت: عامل انسانی علت آتش‌سوزی در منطقه "کن کبود" بوده و خسارات وارده چهار میلیارد ریال برآورد می‌شود.

به گفته‌ی کرم محمدی، وجود کنده‌های چوب نیمه سوخته، شعله‌ور شدن دوباره‌ی آتش را محتمل می‌کند.

با احتساب این مقدار خسارت، مساحت کل جنگل و مراتع نابوده‌شده در شهرستان گیلان‌غرب طی سال جاری به حدود ۳۰۰ هکتار بالغ می‌شود.

شهرستان گیلان‌غرب ۱۷۵ هزار هکتار عرصه‌ی منابع طبیعی دارد که ۷۵ هزار هکتار آن جنگل و بقیه مرتع و نیزار می‌باشد.

ایلام، در باتلاق فاشیسم و دروغگویی

-به بهانه‌ی دروغ پراکنی‌های اخیر نماینده‌ی ایلام در مجلس شورای اسلامی-



شهرام میرزائی

جلال میرزائی دروغ محض بوده و تاکنون هیچ تلاشی برای احقاق حقوق این کارگران روی نداده است.

دروغگویی و ترویج ربا و تزویر از اصول لاینحرف رژیم اسلامی ایران بوده و هست، امری که نمایندگان مجالس مختلف جمهوری اسلامی به خوبی در حوزه‌های انتخابیه‌ی خود آن را رعایت کرده و با دروغگویی و ربا درصدد تنبیت مقام و پست خود هستند. نمایندگانی که نه نماینده‌ی مردم، بلکه دست نشانده‌ان حکومتی جانیکار در مناطق مختلف زاگرس و کوردستان هستند.

اما در این میان علاوه بر سکوت فاشیستی فعالین مدنی ایران، طی روزهای اخیر شاهد دروغ پراکنی‌های جلال میرزائی -نماینده‌ی حوزه‌ی شمالی ایلام در مجلس- در جهت انحراف افکار عمومی و توجیه سیاست‌های ضد انسانی حکومت اسلامی بوده‌ایم. میرزائی طی سخنانی که در سایت تابناک -مورخه‌ی ۷ تیر ۱۳۹۵- منتشر شده، مدعی گردید که طی پیگیری‌های متعدد و رایزنی‌های گسترده‌اش توانسته ۲۰۰ کارگر اخراجی کورد را دوباره به سر کار بازگردانده و کارفرما را ملزم به عقد قرار داد کند. این در حالیست که بنابر اخبار رسیده به روزنامه‌ی "کوردستان" و سخنان تعدادی از اخراج شدگان، اظهارات

و آسمیلاسیون ساکنین آن قرار داشته و دارد. با اینکه ایلام دومین استان گازی ایران بوده و سومین میزان از منابع نفتی کشور را در اختیار دارد، به گفته‌ی دکتر باقر درویشی -استاد اقتصاد دانشگاه‌های ایران- با آمار بیکاری ۴۰ درصدی و پائینترین نرخ امید به زندگی دست به گریبان است. استانی که با وجود چنین منابعی ۱۱ درصد از جمعیتش تحت پوشش کمیته‌ی امداد می‌باشد و به دلیل یأس و ناامیدی گسترده و فراگیر در آن نرخ خودکشی‌اش ۱۵ برابر آمار استان‌های دیگر ایران می‌باشد، امری که ایلام را در کنار لورستان و کرمانشاه در رتبه‌های اول تا سوم خودکشی ایران و خاورمیانه قرار می‌دهد.

اخراج همزمان ۲۰۰ کارگر ایلامی در روز جهانی کارگر، بی‌شک شوک‌آورترین خبر کارگری در سال جاری خورشیدی بوده که به دلیل فاشیسم حاکم بر رسانه‌های فارسی‌زبان زیر خروارها خبر دیگر از اذهان عمومی دور نگه داشته شده است. پروسه‌ی فاشیستی که به وضوح می‌توان نمود عینی آنرا نیز در کنش و واکنش فعالین مدنی، کارگری و به اصطلاح حقوق بشری ایرانیان در مواجهه با چنین وقایعی مشاهده کرد. ۲۰۰ کارگر ایلامی اخراج شده، تنها به این اتمام که کورد هستند و در خارج از میدان تعریف حقوق بشری ایرانیان قرار می‌گیرند، طی ماه‌های اخیر در حاشیه‌ی خبری و یا سکوت مطلق فعالین مدنی-کارگری ایران قرار گرفتند و فعالین حقوق بشری فارس نیز با بی‌توجهی معنادار به شرایط حاکم بر زندگی این مردمان محروم شده از حقوق برحقشان، بر سیاست‌های فاشیستی ایران اسلامی مهر تأیید زدند.

ایلام به عنوان محروم‌ترین استان کوردستان طی صد سال اخیر -چه در نظام پهلوی و چه در حکومت اسلامی- به دلیل اهمیت ژئوپولیتیک همواره در کانون برنامه‌های فاشیستی-مذهبی حکومت‌های ایران جهت ناپودی



شهید دکتر سعید شرفکندی

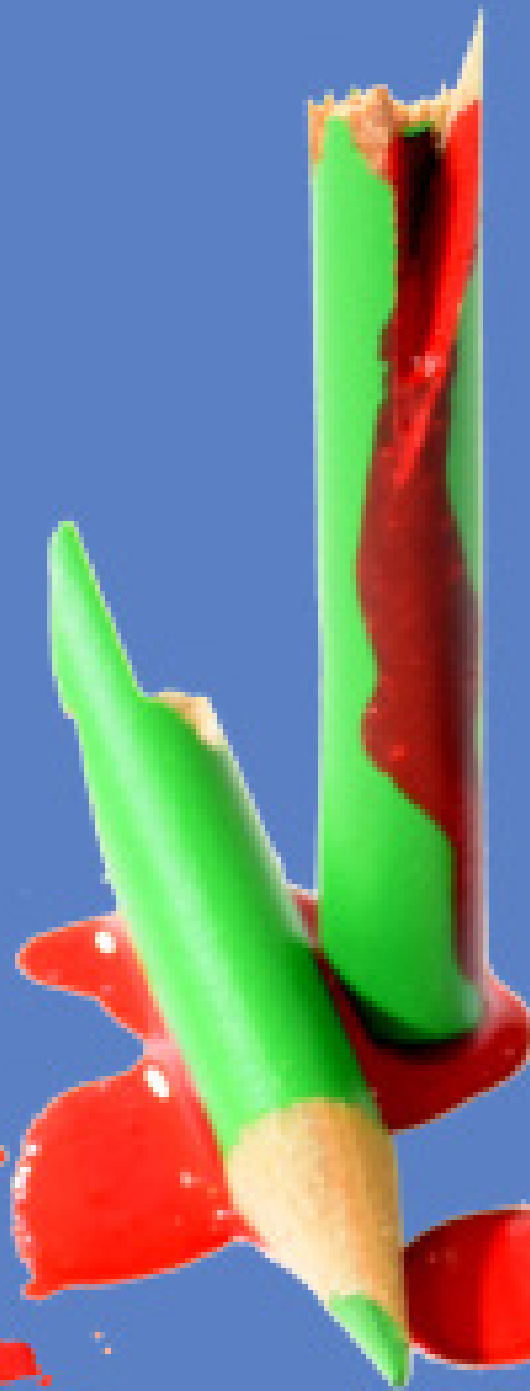
Dr. Sharafkandi

Democratic Party Of Iranian Kurdistan

Holy Crime In

Mykonos

1992



شهریور ۱۶

بگذار رودها بهم بپیوندند و
امواج خروشان دریا شوند



@PDKImedia